

ارزیابی کیفیت ترجمه‌های نهج البلاغه با تکیه بر مدل کارمن گارسس (مطالعه موردی ترجمه شهیدی و دشتی)

عیسی متقی‌زاده*^۱، علی حاجی‌خانی^۲، سمیه مدیری^۳

۱. استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۲

پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۶

چکیده

شیوه ترجمه متون به زبان دیگر و حفظ میزان تأثیرگذاری آن همواره یکی از دغدغه‌های اصلی مترجمان و منتقدان بوده است؛ چراکه هیچ متنی بدون ایجاد تغییرات در آن، قابل ترجمه به زبان مقصد نیست. این مهم در ترجمه متون دینی اهمیت بیشتری می‌یابد و شاهد ترجمه‌های متعدد از آن‌ها هستیم. بدون شک هر ترجمه‌ای ویژگی‌های مثبت و منفی دارد و کیفیت ترجمه وابسته به این ویژگی‌هاست. در زمینه تشخیص سطح کیفی متون ترجمه‌شده، نظریات متعددی وجود دارد و غالباً سعی در رسیدن به ترجمه-ای کامل و مطلوب داشته‌اند. این تلاش‌ها و ارزیابی‌ها سبب پیشرفت در ترجمه می‌شود. در این پژوهش، الگوی کارمن گارسس که در چهار سطح معنایی - لغوی، نحوی - واژه‌ساختی، گفتمانی - کارکردی و سبکی - عملی طراحی شده، به دلیل قابلیت تطبیق آن بر متون ادبی، انتخاب شده و به روش توصیفی - تحلیلی و آماری، دو ترجمه دشتی و شهیدی از حکمت‌های نهج البلاغه مورد مقایسه قرار



گرفته تا مشخص شود طبق مؤلفه‌های این نظریه، کدام یک از ترجمه‌ها مقصدگراتر بوده و از کفایت و مقبولیت بیشتری برخوردار است. نتایج تطبیق نظریه گارسس بر این دو ترجمه حاکی از آن است که ترجمه شهیدی مقصدگراتر از ترجمه دشتی است و در سطوح اول، سوم و چهارم، ویژگی‌های مثبت بیشتر و ویژگی‌های منفی کمتری دارد؛ اما در سطح دوم، ویژگی‌های هر دو ترجمه یکسان است؛ لذا ترجمه شهیدی از کفایت و مقبولیت بیشتری برخوردار است. به‌علاوه هر دو ترجمه در سطح چهارم نیازمند بازنگری است.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی کیفیت، ترجمه، کارمن گارسس، حکمت‌های نهج‌البلاغه.

۱. مقدمه

بهترین وسیله برای انتقال یک مفهوم به مخاطبی که با زبان گوینده آشنایی ندارد، ترجمه است. مسئله «کیفیت ترجمه» اولین بار در سال ۱۹۵۹ م در همایش بین‌المللی کیفیت ترجمه در پاریس مطرح شد (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۴۲). «کیفیت‌سنجی عبارت است از بررسی کیفیت ترجمه با معیارهایی چون غلط و درست، خوب و بد و زیبایی و روانی» (فرحزاد، ۱۳۹۰: ۳۲). در واقع ترجمه نوعی برگردان متن اصلی است و لذا باید پایبند به متن مبدأ باشد؛ اما این پایبندی بدان معنا نیست که مترجم مقید به ترجمه لفظ‌به‌لفظ شود و از معنا غافل گردد؛ بلکه باید میان این دو مهم جمع ببندد.

علاوه بر تسلط و مهارت در ترجمه، رعایت قواعد آن نیز ضروری است. ترجمه فنی است که پایه‌های آن بر علم و دانش استوار است (نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳). امروزه با توجه به سیر و جهت‌گیری جهان به‌سوی علمی کردن تمام حرفه‌ها، ترجمه نیز از این امر مستثنا نبوده و به نظریه‌ها، به‌مثابه ابزاری جهت کشف مشکلات ترجمه و در نتیجه حل آن‌ها، نیاز دارد

(مهدی پور، ۱۳۸۹: ۵۷). «تحقیقات انجام‌شده در زمینه ترجمه در دهه‌های اخیر نیز نشان‌دهنده توجه فزاینده نظریه‌پردازان به نقش ایدئولوژی در ترجمه است» (خان‌جان، ۱۳۹۰: ۹۳).

در زمینه دستیابی به سطح کیفیت ترجمه، نظریه‌های متعددی وجود دارد؛ از جمله الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه هائوس^۱ (۱۹۹۷)، نیومارک^۲ (۱۹۸۸)، نظریه نایدآ^۳، گارسس^۴ (۱۹۹۴)، الکساندر لیود سکانونف^۵، برمن^۶، کتفورد^۷ (۱۹۶۵)، رایس^۸ (۱۹۷۱) و کولر^۹ (۱۹۷۹). در این میان، نظریه گارسس به دلیل بررسی ویژگی‌های مثبت و منفی متون ترجمه‌شده و همچنین مقصدگرایی آن، از میان سایر نظریه‌ها انتخاب شد و جهت ارزیابی کیفیت ترجمه حکمت‌های نهج‌البلاغه مورد استفاده قرار گرفت. منظور از ارزیابی ترجمه درست یا غلط بودن ترجمه نیست؛ بلکه مقصود مقبولیت آن نزد خواننده، طبق الگوی انتخاب‌شده است.

در تحقیق حاضر، از میان ترجمه‌های مختلف نهج‌البلاغه، دو ترجمه دشتی و شهیدی انتخاب شد. دشتی سعی می‌کند هیچ مطلبی از کلام امام (ع) ساقط نشود؛ اما تلاش شهیدی بر این مسئله متمرکز است که خواننده مفهوم کلام امام (ع) را به زیباترین شکل ممکن دریابد. بنابراین برآن شدیم تا کیفیت این دو ترجمه را از منظر الگوی گارسس مقایسه کنیم.

در جستار حاضر، به‌طور تصادفی ۱۰۰ حکمت از مجموع ۴۸۰ حکمت نهج‌البلاغه به‌عنوان نمونه انتخاب شد تا با بررسی آنها، به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- طبق مدل گارسس، کدام یک از دو ترجمه شهیدی و دشتی مقصدگراتر است؟

- در هریک از سطوح چهارگانه الگوی گارسس، کدام یک از مؤلفه‌ها فراوانی بیشتری دارد؟

- طبق مدل گارسس، کدام یک از ترجمه‌های منتخب از کفایت و مقبولیت بیشتری برخوردار است؟



۱-۱. پیشینه تحقیق

در زمینه نقد ترجمه، کارهای زیادی انجام شده است که هر یک از نظریات مختلفی بهره گرفته‌اند. در اینجا به برخی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع بحث اشاره می‌شود:

در پژوهش «بررسی واژگانی ترجمه‌های حداد عادل، معزی و انصاریان در آیاتی از جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن کریم با تکیه بر نظریه سطح معنایی - لغوی گارسس» از بابازاده اقدم و دیگران (۱۳۹۹) فقط به یک سطح از چهار سطح الگوی گارسس اکتفا شده است.

بخشی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی راهبرد کاهش در ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه براساس نظریه گارسس» فقط به حوزه کاهش توجه کرده است.

رحیمی‌آذین، قائمی و مسبوق (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «راهبردهای صفارزاده و مجتبیوی در ابهام‌زدایی واژگانی قرآن کریم و میزان بسندگی و پذیرفتگی آن‌ها براساس الگوی گارسس» نتیجه گرفته‌اند که مجتبیوی در ابهام‌زدایی، کفایت و مقبولیت بیشتری از صفارزاده داشته است.

حاجی‌زاده و دیگران (۱۳۹۸) در «نقد و ارزیابی ترجمه محمد دشتی از نهج‌البلاغه براساس مدل گارسس (۱۹۹۴) (مطالعه موردی: ترجمه خطبه اول و حکمت‌های ۱ تا ۲۰)» نتیجه گرفته‌اند که ترجمه دشتی از مقبولیت برخوردار است و در حوزه افزایش، بسامد بیشتری دارد. تفاوت تحقیق حاضر با پژوهش نام‌برده اولاً در روش انتخاب نمونه‌هاست که تحقیق حاضر فقط حکمت‌ها را مبنای قرار داده و براساس دسته‌بندی‌های موضوعی و به‌روش کاملاً تصادفی از ابتدا، وسط و انتهای هر دسته حکمت‌هایی را انتخاب کرده و لذا همپوشانی چشمگیری در نمونه‌های آن‌ها وجود ندارد (کمتر از ده مورد)؛ ثانیاً در تعداد حکمت‌های برگزیده (صد

حکمت) می‌توان اعداد کرد نمونه انتخابی می‌تواند از نظر آماری نماینده کل حکمت‌ها باشد؛ در صورتی که نویسندگان تحقیق مذکور نه می‌توانند ادعا کنند خطبه‌ها را بررسی کرده‌اند و نه حکمت‌ها را؛ ثالثاً در جستار حاضر، با توجه به مقصدگرا بودن الگوی گارسس، مقایسه‌ای میان تطبیق این الگو بر دو ترجمه مبدأگرا و مقصدگرا انجام شده تا مشخص شود کدام یک قابلیت تطبیق بیشتری دارند و این مورد یکی از تفاوت‌های اساسی جستار حاضر با پژوهش نام‌برده به‌شمار می‌آید.

دستاورد مقاله «تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی قمشه‌ای براساس الگوی گارسس (مطالعه موردی: سوره مبارکه قمر)» از آذرشب، ملکی و اسداله‌ئی (۱۳۹۸) فراوانی بیشتر حوزه افزایش در ترجمه الهی قمشه‌ای و فراوانی بیشتر حوزه‌های مانس و کاهش در ترجمه فولادوند است.

رحیمی خویگانی، علی‌کرمی و باقری (۱۳۹۷) در «نقدی بر انتخاب‌های واژگانی محمد دشتی در ترجمه نهج‌البلاغه از منظر سطح معنایی - لغوی گارسس» نمونه‌های خود را بدون ذکر کردن معیار خاصی، به‌طور تصادفی و پراکنده و غالباً از میان نامه‌ها و خطبه‌ها انتخاب کرده و فقط به بررسی یک سطح اکتفا کرده و نگاهی یک‌جانبه به ترجمه دشتی داشته و در آن، هیچ اشاره‌ای نیز به مقبولیت و یا کفایت ترجمه نکرده‌اند. این درحالی است که در تحقیق حاضر، صرفاً حکمت‌های نهج‌البلاغه از منظر تمامی سطوح گارسس مورد بررسی قرار گرفته و علاوه بر آن، مقایسه‌ای میان کفایت و مقبولیت ترجمه دشتی (ترجمه‌ای مبدأگرا) و ترجمه شهیدی (ترجمه‌ای مقصدگرا) انجام شده است؛ لذا تفاوت اساسی میان این دو تحقیق وجود دارد.

صیادانی، اصغرپور و خیراللهی (۱۳۹۶) در پژوهشی باعنوان «نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان 'قلب اللیل' با عنوان 'دل شب' بر اساس الگوی گارسس» به این نتیجه رسیده‌اند که ترجمه رمان در دو سطح معنایی - لغوی و نحوی - صرفی علاوه بر مقبولیت، از کفایت نیز برخوردار است؛ درحالی که در دو سطح دیگر، فقط مقبولیت دارد.

رحیمی خویگانی (۱۳۹۶) در مقاله «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی - لغوی گارسس) فقط به یکی از سطوح پرداخته است.

متقی‌زاده و نقی‌زاده (۱۳۹۶) نیز در «ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی براساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه)» به برخی از چالش‌های این ترجمه اشاره کرده‌اند؛ از جمله تفاوت‌های فرهنگی موجود بین دو زبان فارسی و عربی، قبض و بسط واژگان و تأثیرپذیری از زبان عامیانه.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشتر کارهای انجام‌شده در زمینه قرآن کریم و گاهی نیز رمان بوده و پژوهش‌های اندکی در حوزه نهج‌البلاغه به‌ویژه حکمت‌ها انجام شده است. علاوه بر این، تا کنون در هیچ پژوهشی، مقایسه میان متون مبدأگرا و مقصدگرا صورت نگرفته است؛ بنابراین تحقیق حاضر جنبه نوآورانه دارد و کاری کاملاً متفاوت به‌شمار می‌آید.

۲-۱. مبانی نظری

مدل کارمن گارسس

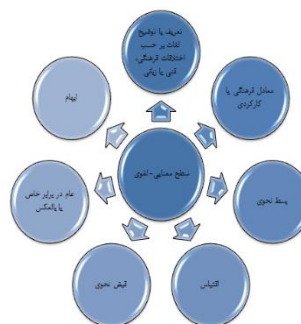
«کارمن والرو گارسس^۱ در سال ۱۹۹۴ م، الگوی پیشنهادی خود را برای ارزیابی ترجمه ارائه کرد. وی در الگوی خود به نظریات زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان ترجمه، همچون پیتر نیومارک،

نظر داشته است» (Garces, 1994: 79) به نقل از متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۴). «الگوی پیشنهادی او براساس اصل برابری میان متن مبدأ و مقصد استوار است؛ بنابراین از دیدگاه او، متن مبدأ و مقصد در چهار سطح باید تا حد امکان برابری داشته باشند» (اقبالی و نامداری، ۱۳۹۷: ۱۴۰). این چهار سطح عبارت‌اند از:

۱. سطح معنایی - لغوی؛ ۲. سطح نحوی - واژه‌ساختی؛ ۳. سطح گفتمانی - کارکردی؛ ۴. سطح سبکی - عملی. از نظر گارسس، گاهی این سطوح با هم تداخل نیز دارند (Garces, 1994: 79) به نقل از متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۴-۱۷۵). هریک از این سطوح دارای مؤلفه‌های مختلفی به صورت زیر هستند:

شکل ۱. مؤلفه‌های سطح معنایی - لغوی

ساختی



شکل ۳. مؤلفه‌های سطح گفتمانی - کارکردی

شکل ۲. مؤلفه‌های سطح نحوی - واژه-



شکل ۴. مؤلفه‌های سطح سبکی - عملی



همان‌طور که مشاهده می‌شود، از میان چهار سطح مورد نظر گارسس، فقط یک سطح آن ناظر به سبک متن است؛ زیرا در این الگو، هدف آن است که ترجمه‌ای به‌عنوان «ترجمه‌ی مقبول» شناخته شود که دغدغه‌ی اصلی آن انتقال صحیح و دقیق معنا و مفهوم متن اصلی است، نه صرفاً پایبندی به سبک آن.

هدف این مدل آن است که جنبه‌های زبانی و ادبی را به هم ربط دهد و یک اثر ادبی را به‌عنوان عملکردی ارتباطی در نظر بگیرد که از یک سیستم زبانی استفاده می‌کند و در پایان هر دو جنبه را به ترجمه و مشکلاتی که پیرامون آن وجود دارد، متصل سازد (بابازاده اقدم و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۸۴).

لذا در این الگو سعی می‌شود تا با استفاده از جنبه‌های مختلف، ترجمه‌ای مطلوب و مقبول پیش روی خوانندگان قرار گیرد.

۲. بحث و بررسی: تطبیق نظریه

محمد دشتی (۱۳۹۵: ۴۴۴) در کتاب فرهنگ موضوعات کلی نهج‌البلاغه، حکمت‌های نهج‌البلاغه را براساس موضوع آن‌ها، به ۶۲ دسته کلی تقسیم کرده است. در تحقیق حاضر،

دسته‌های شامل بیش از بیست حکمت انتخاب شد (که شش دسته بود) و یک‌سوم تعداد حکمت‌های دربرگرفته‌شده در هر دسته به‌عنوان نمونه برگزیده شد. انتخاب حکمت‌ها به صورت کاملاً تصادفی و به این صورت بوده که حکمت‌هایی از ابتدا، وسط و انتهای هر دسته به‌عنوان نمونه انتخاب شد. بدین طریق در مجموع، ۱۰۰ حکمت از ۴۸۰ حکمت به‌عنوان نمونه برگزیده شد. سپس مؤلفه‌های هریک از چهار سطح الگوی گارسس در نمونه‌های انتخابی بررسی شد.

۲-۱. سطح معنایی - لغوی^{۱۱}

۲-۱-۱. تعریف یا توضیح لغات برحسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی

عبارت است از معنای واژه به‌صورت عبارت اسمی یا شبه‌جمله صفتی. در این روش، اطلاعاتی که برحسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی بین مخاطب اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند، به تعریف لغت اضافه می‌شود (Garces, 1994: 81) به نقل از متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۶).

أَحْسِنُوا فِي عَقِبِ غَيْرِكُمْ تَحْفَظُوا فِي عَقِبِكُمْ. (حکمت ۲۶۴)

دستی: به بازماندگان دیگران نیکی کنید تا حرمت بازماندگان شما را نگاه دارند.

شهیدی: به بازماندگان دیگران نیکی کنید تا بر بازماندگان شما رحمت آرند.

الْفَقِيهَ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يُقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤَيِّسْهُمْ مِنْ رُوحِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ. (حکمت ۹۰)

دستی: فقیه کامل کسی است که مردم را از آمزش خدا مأیوس، و از مهربانی او نومید

نکند، و از عذاب ناگهانی خدا ایمن نسازد.

شهیدی: فقیه کامل کسی است که مردم را از آموزش خدا مأیوس نسازد، و از مهربانی او نومیدشان نکند و از عذاب ناگهانی وی ایمنشان ندارد.

کلمات مشخص شده در عبارات فوق به دلیل اختلافات فرهنگی و زبانی، با واژگان دیگر جایگزین شده‌اند.

۲-۱-۲. معادل فرهنگی یا کارکردی^{۱۲}

کلماتی که اکثر خوانندگان در فهم معنای آن‌ها با مشکل مواجه می‌شوند، باید ترجمه شود و یا از مترادف آن‌ها که در زبان مقصد کاربرد بیشتری دارد، استفاده شود. این امر به چند عامل بستگی دارد: ۱. سبک متن، ۲. خواننده متن و ۳. اهمیت واژه فرهنگی در متن (نیومارک، ۲۰۰۶: ۱۹۳).

العَجْزُ آفَةٌ وَ الصَّبْرُ شَجَاعَةٌ وَ الزُّهْدُ ثَرْوَةٌ وَ الْوَرَعُ جُنَّةٌ وَ نِعَمَ الْقَرِيبِ الرَّضَى. (حکمت ۴)

دشتی: ناتوانی، آفت و شکیبایی، شجاعت و زهد ثروت و پرهیزکاری سپر نگه‌دارنده است: و چه هم‌نشین خوبی است راضی بودن و خرسندی.

شهیدی: ناتوانی آفت است، و شکیبایی شجاعت و ناخواستن دنیا ثروت و پرهیزکاری سپری نگه‌دار و رضا نیکوهم‌نشین و یار.

الْعِلْمُ وَرَاثَةٌ كَرِيمَةٌ وَ الْآدَابُ حُلٌّ مُجَدِّدَةٌ وَ الْفِكْرُ مِرْآةٌ صَافِيَةٌ. (حکمت ۵)

دشتی: دانش، میراثی گران‌بها، و آداب، زیورهای همیشه تازه، و اندیشه، آینه‌ای شفاف است.

شهیدی: دانش میراثی است گزین و آداب، زیورهای نوین جان و تن و اندیشه آینه روشن. در عبارات بالا، «شکیبایی» معادل «الصَّبْرُ»، «ناخواستن دنیا» معادل «الزُّهْدُ» و «اندیشه» معادل «الْفِكْرُ» در نظر گرفته شده است.

۲-۱-۳. اقتباس^{۱۳}

اقتباس یا معنای نزدیک به کار بردن معادل جافتاده است (Newmark, 1988: 177). به عبارتی این مؤلفه بیشتر در ترجمه اصطلاحات کاربرد دارد.

مَنْ جَرَى فِي عَنَانٍ أَمَلَهُ عَثَرَ بِأَجَلِهِ. (حکمت ۱۹)

دشتی: آن کس که در پی آرزوی خویش تازد، مرگ او را از پای درآورد.

شهیدی: هرکه همراه آرزوی خویش تازد، مرگش به سر دراندازد.

مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ. (حکمت ۲۳)

دشتی: کسی که کردارش او را به جایی نرساند، افتخارات خاندانش او را به جایی نخواهد رسانید.

شهیدی: آن که کرده وی او را به جایی نرساند، نسب او وی را پیش نراند.

۲-۱-۴. بسط نحوی^{۱۴}

بدین معنا که مفهومی که در متن مبدأ به تلویح بیان شده، در زبان مقصد به صورت صریح ذکر شود (Garces, 1994: 81) به نقل از متقی‌زاده و نقی‌زاده، (۱۳۹۶: ۱۷۷).

لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ... (حکمت ۱۰۱)

دشتی: برآوردن نیازهای مردم پایدار نیست، مگر به سه چیز... .

الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا وَ لَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا. (حکمت ۴۶۳)

شهیدی: دنیا را برای جز دنیا آفریده‌اند، نه برای دنیا و راهگذاری است به جهان فردا.

واژه «مردم» و عبارت «راهگذاری است به جهان فردا» در متن مقصد، به صورت صریح ذکر شده است.

۲-۱-۵. قبض نحوی^{۱۵}

بدین معنا که ترجمه را مختصر کرده، به جای چند واژه، از یک واژه استفاده کند.

... إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ
(حکمت ۲۵)

دشتی: ... زمانی که خدا را می‌بینی که انواع نعمت‌ها را به تو می‌رساند... .

شهیدی: ... چون دیدی پروردگارت پی‌درپی نعمت‌های خود به تو می‌رساند... .

عبارت (سُبْحَانَهُ) جهت اختصار، در ترجمه، ذکر نشده است.

السَّخَاءُ مَا كَانَ ابْتِدَاءً فَأَمَّا مَا كَانَ عَنْ مَسْأَلَةٍ
فَحَيَاءٌ وَ تَذَمُّمٌ. (حکمت ۵۳)

شهیدی: سخاوت بی‌خواستن بخشیدن است، و آنچه به خواهش بخشند، یا از شرم است و

یا از بیم سخن زشت شنیدن.

عبارت مشخص شده به اختصار «بی‌خواستن بخشیدن» ترجمه شده است.

۲-۱-۶. عام در برابر خاص یا بالعکس

بدین معنا که واژه‌ای خاص به صورت عام و یا واژه‌ای عام به صورت خاص ترجمه شود.

تَرْكُ الدُّنْيِ أَهْوَى مِنْ طَلْبِ الْمَعْوَنَةِ. (حکمت ۱۷۰)

دشتی: ترک گناه، آسان‌تر از درخواست توبه است.

شهیدی: دست از گناه برداشتن، آسان‌تر تا روی به توبه داشتن.

در اینجا «المَعْوَنَة» را به «توبه» ترجمه کرده که شاهدمثال برای ترجمه عام به صورت

خاص است.

۲-۱-۷. ابهام^{۱۶}

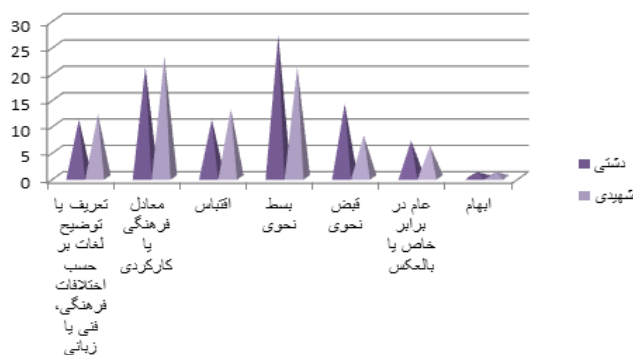
گاهی در ترجمه، ابهاماتی وجود دارد که ممکن است عمدی یا غیرعمدی باشد. ابهام عمدی باید در صورت امکان، در ترجمه حفظ شود؛ اما مترجم باید از ابهام ناخواسته جلوگیری کند (Newmark, 1988: 206-207).

إِذَا أَمَلْتُمْ فَتَّاجِرُوا ۗ اللَّهُ بِالصَّدَقَاتِ . (حکمت ۲۵۸)

دشتی: هرگاه تهیدست شدید، با صدقه دادن، با خدا تجارت کنید.

شهیدی: چون تنگدست شدید، به صدقه دادن، با خدا سودا کنید.

شکل ۵. نمودار مؤلفه‌های سطح معنایی - لغوی



۲-۲. سطح نحوی - واژه‌ساختی^{۱۷}

۲-۲-۱. ترجمه لفظ به لفظ و یک به یک^{۱۸}

کاربرد اصلی ترجمه لفظ به لفظ، درک زبان مبدأ و یا تفسیر یک متن دشوار به عنوان یک فرایند قبل از ترجمه است (Ibid., 45-46).

يَنْزِلُ الصَّبْرُ عَلَى قَدْرِ الْمُصِيبَةِ وَ مَنْ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَى
فَخِذِهِ عِنْدَ مُصِيبَتِهِ حَيْطَ عَمَلُهُ. (حکمت ۱۴۴)

دشتی: صبر به اندازه مصیبت فرودآید، و آن که در مصیبت بی‌تاب بر رانش زند، اجرش نابود می‌گردد.

شهیدی: شکیبایی به اندازه مصیبت فرودآید، و آن که به هنگام مصیبت دست بر ران‌هایش

زند، ثوابش به دست نیاید.

يَا ابْنَ آدَمَ لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَى
يَوْمِكَ الَّذِي قَدْ أَتَاكَ فَإِنَّهُ إِنْ يَكُ مِنْ عُمْرِكَ يَأْتِ اللَّهُ فِيهِ
بِرِزْقِكَ. (حکمت ۲۶۷)

شهیدی: ای پسر آدم اندوه روز نیامدهات را بر روز آمدهات می‌گذا که اگر فردا از عمر تو ماند، خدا روزی تو را در آن رساند.

۲-۲-۲. ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستورگردانی

از این روش زمانی استفاده می‌شود که ساختار زبان مبدأ معادلی در زبان مقصد نداشته باشد (امرائی، ۱۳۹۷: ۲۵)؛ مانند موارد زیر:

الْإِعْجَابُ يَمْنَعُ الْإِزْدِيَاذَ. (حکمت ۱۶۷)

دشتی: خودپسندی مانع فزونی است.

شهیدی: خودپسندیدن مانع به زیادت رسیدن است.

در اینجا مترجم فعل را به صورت اسم ترجمه کرده است.

السَّخَاءُ مَا كَانَ اِبْتِدَاءً فَأَمَّا مَا كَانَ عَنْ مَسْأَلَةٍ
فَحَيَاءٌ وَ تَدَمُّمٌ. (حکمت ۵۳)

دشتی: سخاوت آن است که تو آغاز کنی؛ زیرا آنچه با درخواست داده می‌شود، یا از روی شرم و یا از بیم شنیدن سخن ناپسند است.

شهیدی: سخاوت بی‌خواستن بخشیدن است، و آنچه به خواهش بخشند، یا از شرم است و یا از بیم سخن زشت شنیدن.

در این حکمت، مترجم مصدر را به دلیل تفاوت ساختار زبان فارسی و عربی، به صورت جمله ترجمه کرده است.

۲-۲-۳. ترجمه از طریق تغییر دیدگاه یا دگربینی

در برخی موقعیت‌ها، مترجم ناچار است برای انتقال صحیح مفهوم مورد نظر نویسنده، مفهومی را به گونه‌ای دیگر بیان کند؛ مانند بیان وسیله به جای نتیجه، بیان معلول به جای علت و برعکس، بیان عبارت منفی به صورت عبارت مثبت و... (صیادانی، اصغرپور و خیراللهی، ۱۳۹۶: ۱۰۳).
... مَنْ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَى فَخِذِهِ عِنْدَ مُصِيبَتِهِ حَيْطَ عَمَلُهُ.
(حکمت ۱۴۴)

شهیدی: ... آن که به هنگام مصیبت دست بر ران‌هایش زند، ثوابش به دست نیاید.

نتیجه از بین رفتن عمل، بی‌بهره شدن از ثواب آن است. در این عبارت، نتیجه ذکر شده و جمله مثبت به صورت جمله منفی ترجمه شده است.

۲-۲-۴. ترجمه از طریق جبران

این مورد نمونه‌ای ندارد.

۲-۲-۵. ترجمه از طریق توضیح یا بسط معنا

توضیح یا بسط معنای قسمتی از متن که ضرورت دارد، در متن مقصد تصریح گردد. این بسط معنوی، مثل بسط و قبض نحوی، خاص همه زبان‌هاست (Newmark, 1988: 94) به نقل از امرائی، ۱۳۹۷: ۲۸).

الْغِنَى الْأَكْبَرُ الْيَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ (حکمت ۳۴۲)

دستی: برترین بی‌نیازی و دارایی، نومی‌دی است از آنچه در دست مردم است.

در این عبارت، واژه «دارایی» را به وسیله واو عطف برای توضیح بیشتر افزوده است.

الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ (حکمت ۳۳۷)

شهیدی: آن که مردم را به خدا خواند و خود به کار نپردازد، چون تیرافکنی است که از

کمان بی‌زه تیر اندازد.

مترجم عبارات مشخص شده را جهت توضیح بیشتر افزوده است.

۶-۲-۲. ترجمه از طریق تلویح^{۱۹}، تقلیل^{۲۰} و حذف^{۲۱}

یعنی عناصری که در زبان مبدأ به تصریح بیان شده‌اند، در زبان مقصد با تلویح یا به اختصار ذکر شوند یا به طور کلی حذف گردند تا با قواعد زبان مبدأ به سازگاری برسند و مفهوم مورد نظر به درستی منتقل گردد (Garces, 1944: 149) به نقل از امرائی، ۱۳۹۷: ۲۹).

أَحْسِنُوا فِي عَقِيْبِ غَيْرِكُمْ تُحْفَظُوا فِي عَقِيْبِكُمْ (حکمت ۲۶۴)

دستی: به بازماندگان دیگران نیکی کنید تا حرمت بازماندگان شما را نگاه دارند.

شهیدی: به بازماندگان دیگران نیکی کنید تا بر بازماندگان شما رحمت آرند.

ترجمه این عبارت به صورت تلویح بیان شده است.

قَلِيْلٌ مَدُوْمٌ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيْرٍ مَمْلُوْلٍ مِنْهُ (حکمت ۴۴۴)

دستی: چیز اندک که با اشتیاق تداوم یابد، بهتر از فراوانی است که رنج‌آور باشد.

شهیدی: اندکی که دوام دارد، به از بسیاری که ملال‌آرد.

جار و مجرور «مِنْهُ» در ترجمه حذف شده است.

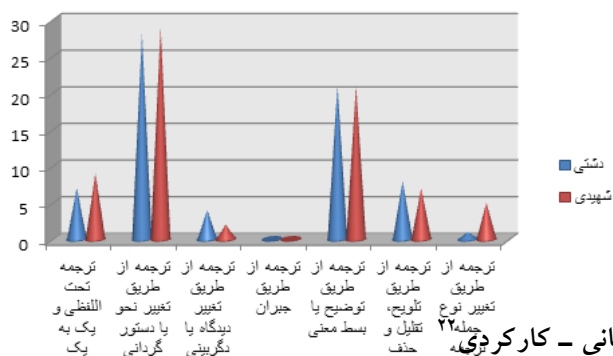
۲-۷. ترجمه از طریق تغییر نوع جمله ترجمه

مثلاً جمله خبری را به صورت پرسشی، جمله معلوم را به صورت مجهول و... ترجمه کند.
 لَنَا حَقٌّ فَإِنْ أُعْطِينَاهُ وَ إِلَّا زَكَيْنًا عَاجَزًا الْإِيلِ وَ إِنْ
 طَالَ السُّرَى. (حکمت ۲۲)

شهیدی: ما را حقی است اگر دادند، بستانیم و گرنه ترک شتران سوار شویم و برانیم؛
 هرچند شب‌روی به درازا کشد.

در این عبارت، فعل مجهول به صورت معلوم ترجمه شده است.

شکل ۶. نمودار مؤلفه‌های سطح نحوی - واژه‌ساختی



۲-۳. سطح گفتمانی - کارکردی

۲-۳-۱. تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی

گاهی برخی واژه‌ها و اصطلاحات در زبان مقصد کاربرد ندارند؛ لذا باید از معادل آن‌ها استفاده کرد (صیادانی، اصغری‌پور و خیراللهی، ۱۳۹۶: ۱۰۷).

كُنْ سَمْحًا وَ لَا تَكُنْ مُبَدِّرًا وَ كُنْ مُقَدِّرًا وَ لَا تَكُنْ
 مُقْتَرًا. (حکمت ۳۳)

دستی: بخشنده باش، اما زیاده‌روی نکن، در زندگی حسابگر باش، اما سخت‌گیر مباش.



مترجم به‌جای واژه‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده، از معادل آن‌ها در زبان فارسی استفاده کرده است.

۲-۳-۲. تغییر لحن

این بخش نمونه‌ای ندارد.

۲-۳-۳. تغییر ساختار درونی متن مبدأ

یعنی تعدیل، تقلیل یا حذف و افزایش تأکیدها، تغییر علائم متن، به‌طوری که در معنا تأثیرگذار باشد، تغییر منظور نهایی متن اصلی (متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۸۵).

إِنَّ حُزْنَنا عَلَيْهِ عَلَى قَدْرِ سُؤْرِهِمْ بِهِ (حکمت ۳۲۵)

شهادی: اندوه ما بدو همچند شادمانی آن‌هاست . . .

در اینجا حرف تأکید **إِنَّ** در ترجمه حذف شده است.

۲-۳-۴. تعدیل (کاهش) اصطلاحات محاوره‌ای

این بخش نمونه‌ای ندارد.

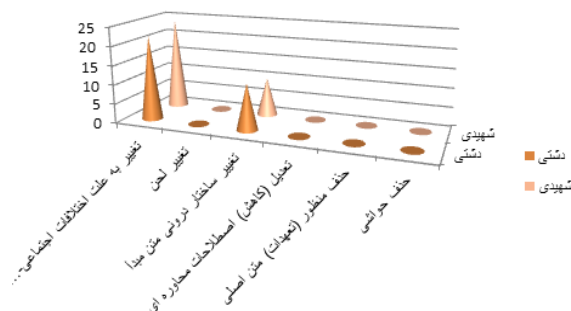
۲-۳-۵. حذف منظور (تعهدات) متن اصلی

این بخش نمونه‌ای ندارد.

۲-۳-۶. حذف حواشی

این بخش نمونه‌ای ندارد.

شکل ۷. نمودار مؤلفه‌های سطح گفتگویی - کارکردی



۲-۴. سطح سبکی - عملی^{۲۳}

۲-۴-۱. بسط خلاقه

کنار گذاشتن کلیشه‌های غلط در ترجمه، بسنده نکردن به اندوخته‌های ذهنی در معانی واژه‌ها و توجه به ویژگی‌های زبان مقصد ترجمه خلاق را پدید می‌آورد (طهماسبی و صمدی، ۱۳۹۵: ۲۷۴).

الْعَيْنُ وَكَأَنَّ السَّهْ . (حکمت ۴۶۶)

شهیدی: چشم، نشستگاه را چون رشته سربند است؛ چون خواب در چشم آید، بند بسته بگشاید.

التَّوْحِيدُ أَلَّا تَتَوَهَّمَهُ وَ الْعَدْلُ أَلَّا تَتَّهَمَهُ . (حکمت ۴۷۰)

شهیدی: توحید آن است که او را به وهم درنیاری و عدل آن است که او را بدانچه درخور نیست، متهم نداری.

عبارات خط‌کشیده‌شده، در متن عربی هیچ معادلی ندارد و مترجم فقط برای درک بهتر خواننده آن‌ها را افزوده است.

۲-۴-۲. اشتباه مترجم

این موضوع به سطح آگاهی مترجم از دانش ترجمه برمی‌گردد. گاهی نیز ناشی از کج‌فهمی مترجم است که به انتقال نادرست مفاهیم به زبان مقصد می‌انجامد (امرائی، ۱۳۹۷: ۳۴).

كُنْ فِي الْفَيْئَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرٌ فَيَرْكَبُ وَلَا ضَرْعٌ
فَيُحْلَبُ. (حکمت ۱)

دشتی: در فتنه‌ها، چونان شتر دوساله باش؛ نه پشتی دارد که سواری دهد، و نه پستانی تا او را بدوشند.

در این عبارت، مترجم واژه « الْفَيْئَةِ » را به صورت جمع و فعل مجهول «فَيْرَكَبُ» را به صورت معلوم ترجمه کرده است.

خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالِطَةً إِنْ مِثْمَ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ وَ
إِنْ عِشْتُمْ حَنُّوا إِلَيْكُمْ. (حکمت ۱۰)

شهیدی: با مردم چنان بیامیزید که اگر مُردید، بر شما بگریند، و اگر زنده ماندید، به شما مهربانی ورزند.

«حَنٌّ» به معنای «دلسوزی و مهربانی کردن» است؛ اما «حَنٌّ إِلَيْهِ» به معنای «مشتاق شدن به - سوی کسی» است که در اینجا به همان معنای دلسوزی ترجمه شده است.

۲-۴-۳. حفظ اعلام

يَا ابْنَ آدَمَ إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَهُ... . (حکمت ۲۵)

دشتی: ای فرزند آدم، زمانی که خدا را می‌بینی... .

شهیدی: پسر آدم؟ چون دیدی پروردگارت... .

... إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا
النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الْآيَةَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ وَلِيَّ مُحَمَّدٍ مَنْ
أَطَاعَ اللَّهَ وَ إِنْ بَعَدَتْ لُحْمَتُهُ وَ إِنْ عَدُوُّ مُحَمَّدٍ مَنْ عَصَى اللَّهَ وَ
إِنْ قَرَّبَتْ قَرَابَتُهُ. (حکمت ۹۶)

دشتی: ... همانا نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم آنان‌اند که پیرو او گردیدند، و مؤمنانی که به
این پیامبر خاتم پیوستند. (سپس فرمود) دوست محمد (ص) کسی است... و دشمن محمد
(ص) کسی است که... .

شهیدی: ... همانا نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم آنان‌اند که پیرو او گردیدند و این پیامبر و
کسانی که گرویدند. (سپس فرمود:) دوست محمد (ص) کسی است که ... و دشمن محمد
(ص) کسی است که... .

در ترجمه‌های بالا، نام اشخاص که زیر آن‌ها خط کشیده شده، در ترجمه حفظ شده است.

۲-۴-۴. حفظ ساختار خاص متن مبدأ

مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعًا لَمْ يُحْرَمْ أَرْبَعًا مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ
يُحْرَمِ الْإِجَابَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ التَّوْبَةَ لَمْ يُحْرَمِ الْقَبُولَ وَ
مَنْ أُعْطِيَ الْإِسْتِغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ الْمَغْفِرَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ
الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ. (حکمت ۱۳۵)

شهیدی: کسی را که چهار چیز دادند، از چهار چیز محروم نباشد: آن را که دعا دادند، از
پذیرفته شدن محروم نماند، و آن را که توبه روزی کردند، از قبول گردیدن، و آن را که آمرزش
خواستن نصیب شد، از بخشوده گردیدن، و آن را که سپاس عطا شد، از فزوده گشتن.

۲-۴-۵. بیان نامناسب در متن مقصد

هر اصطلاح پنج جنبه مختلف معنایی دارد: ۱. معنای مجازی؛ ۲. معنای تحت‌اللفظی؛ ۳. ویژگی‌های عاطفی؛ ۴. خصوصیات سبکی؛ ۵. رنگ‌وبوی ملی و قومی که هریک در انتخاب معادل مناسب، قیودی را بر مترجم تحمیل می‌نمایند (تجلی، ۱۳۶۹: ۱۰۵).

صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ وَ الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ وَ
الِإِحْتِمَالُ قَبْرِ الْعَيُوبِ. (حکمت ۶)

شهیدی: سینه خردمند صندوق راز اوست و گشاده‌رویی دام دوستی و بردباری گور زشتی-
هاست.

أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَ أَعْجَزُ مِنْهُ
مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفِيرَ بِهِ مِنْهُمْ. (حکمت ۱۲)

شهیدی: ناتوان‌ترین مردم کسی است که نیروی به‌دست آوردن دوستان ندارد، و ناتوان‌تر از
او کسی بود که دوستی به‌دست آرد و او را ضایع گذارد.

ترجمه کلمات مشخص شده به‌گونه‌ای بیان شده که در رسایی آن خلل ایجاد کرده است.
مترجم می‌توانست از عباراتی همچون «گشاده‌رویی، وسیله دوست‌یابی» و «دوست خود را
از دست بدهد» استفاده کند تا مفهوم آن واضح‌تر باشد.

۲-۴-۶. پُرگویی در برابر ساده‌گویی

یعنی مترجم جملات ساده را به اشکال پیچیده و همراه با توضیحات بیشتر و غیرضروری
می‌آورد (صیادانی، اصغرپور و خیراللهی، ۱۳۹۶: ۱۱۱).

... وَ هُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ مَا شِ بَيْنَهُمَا
كُلَّمَا قَرَّبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعْدَ مِنَ الْآخِرِ وَ هُمَا بَعْدُ ضَرَّتَانِ.
(حکمت ۱۰۳)

شهیدی: ... و دنیا و آخرت چون خاور و باختر است و آن که میان آن دو رود، چون به یکی نزدیک گردد، از دیگری دور شود. و چون دو زن‌اند در نکاح یک شوی که ناسازگارند و در گفت‌وگوی.

مترجم در ترجمه عبارت مشخص شده توضیحات بیشتری افزوده است.

۷-۴-۲. تغییر در صناعات

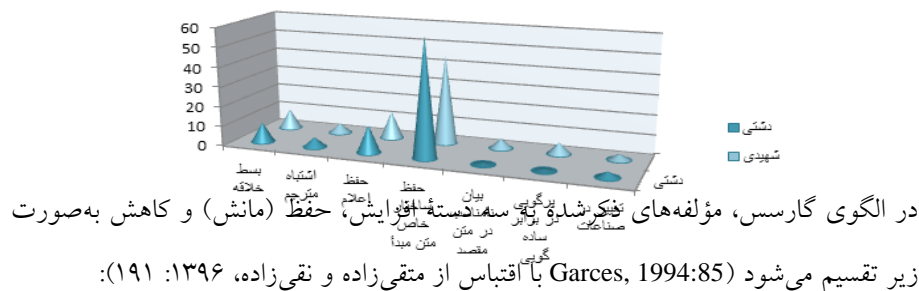
يَنْزِلُ الصَّبْرُ عَلَى قَدْرِ الْمُصِيبَةِ وَ مَنْ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَى فَخْذِهِ عِنْدَ مُصِيبَتِهِ حَيْطَ عَمَلُهُ. (حکمت ۱۴۴)

دشتی: صبر به اندازه مصیبت فرود آید، و آن که در مصیبت بی‌تاب بر رانش زند، اجرش نابود می‌گردد.

شهیدی: شکیبایی به اندازه مصیبت فرود آید، و آن که به هنگام مصیبت دست بر ران‌هایش زند، ثوابش به دست نیاید.

اعمال انسان نابود نمی‌شود، بلکه اثر و نتیجه آن‌هاست که از بین می‌رود. مترجمان به این مهم توجه داشته‌اند.

شکل ۸. مؤلفه‌های سطح سبکی - عملی



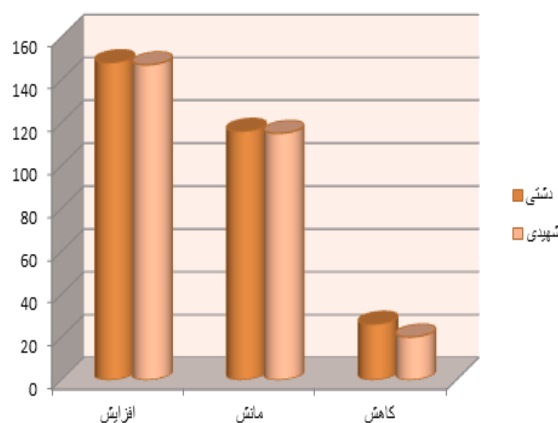


جدول ۱. جدول حوزه‌های افزایش، حفظ و کاهش

کاهش		حفظ (مانش)		افزایش				
شهیدی	دستی	مؤلفه	شهیدی	دستی	مؤلفه			
۰	۰	حذف بن‌مایه متعهدهانه	۲۳	۲۱	معادل فرهنگی	۱۲	۱۱	تعریف
۰	۰	تعدیل اصطلاحات مجاورهای	۱۳	۱۱	اقتباس	۲۱	۲۷	بسط نحوی
۸	۱۴	حذف قسمتی از متن یا پاراگراف	۱	۱	ابهام	۲۹	۲۸	دستورگردانی
۵	۴	اشتباه مترجم	۹	۷	ترجمه تحت اللفظی	۲	۴	تغییر دیدگاه
۷	۸	حذف و تقلیل	۰	۰	جبران	۲۱	۲۱	توضیح
			۵	۱	تغییر نوع جمله	۳۶	۳۳	تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی - فرهنگی
			۵	۱	نارسایی در معادل	۱۰	۱۲	تغییر ساختار درونی متن مبدأ
			۰	۰	تغییر لحن	۱۰	۱۰	بسط خلاقه

تفصیل	۱	۶	حفظ اعلام	۱۴	۱۴		
(پُرگویی)			حفظ	۴۵	۶۰		
			ساختارهای				
			خاص متن				
			مبدأ				
مجموع	۱۴۸	۱۴۷	مجموع	۱۱۵	۱۱۶	مجموع	۲۶
							۲۰

شکل ۹. نمودار حوزه‌های افزایش، مانس و کاهش



همان‌طور که جدول و نمودار بالا نشان می‌دهد، این دو ترجمه در افزایش و مانس، تقریباً یکسان عمل کرده‌اند؛ ولی در حوزه کاهش، دستی در مقایسه با شهیدی مطالب بیشتری را حذف کرده است. گارسس برای ترجمه ویژگی‌های مثبت و منفی را ذکر کرده و کفایت و مقبولیت ترجمه را به میزان برخورداری آن از این ویژگی‌ها دانسته است. «کفایت و مقبولیت بدین معناست که نه تنها در جست‌وجوی دقت و صحت عناصر زبانی هستیم، بلکه تأثیر نظام



زبان مبدأ بر زبان مقصد و میزان پذیرش خوانندگان متن مقصد نیز باید مد نظر قرار گیرد» (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۶۸). ویژگی‌های مثبت و منفی ترجمه، طبق الگوی گارسس، در دو ترجمه دشتی و شهیدی به صورت زیر است (همان، ۷۶-۸۰):

جدول ۲. ویژگی‌های مثبت و منفی

سطح	ویژگی‌های مثبت			ویژگی‌های منفی		
	مؤلفه	دشتی	شهیدی	مؤلفه	دشتی	شهیدی
سطح اول	تعریف یا توضیح	۱۱	۱۲	اقتباس	۱۱	۱۳
	معادل فرهنگی	۲۱	۲۳	قبض نحوی	۱۴	۸
	بسط نحوی	۲۷	۲۱	ابهام	۱	۱
سطح دوم	جمع	۵۹ (٪۶۹)	۵۶ (٪۷۲)	جمع	۲۶ (٪۳۱)	۲۲ (٪۲۸)
	تغییر نحو	۲۸	۲۹	ترجمه تحت‌اللفظی	۷	۹
	تغییر دیدگاه	۴	۲	بسط معنا	۲۱	۲۱
	جبران	۰	۰			
تغییر نوع جمله	۱	۵				
تلویح، تقلیل و حذف	۸	۷	جمع	۲۸ (٪۴۱)	۳۰ (٪۴۱)	
سطح سوم	تغییر به‌علت تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی	۲۲	۲۴	تغییر لحن	۰	۰
	حذف حواشی	۰	۰	تغییر ساختار درونی متن مبدأ	۱۲	۱۰
				تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای	۰	۰
				حذف منظور متن	۰	۰

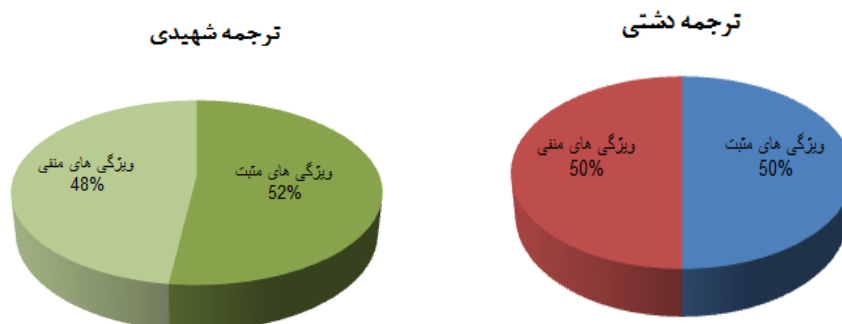
اصلی	جمع	اصلی	جمع	اصلی	جمع
۱۰ (٪۳۰)	۱۲ (٪۳۵)	جمع	۲۴ (٪۷۰)	۲۲ (٪۶۵)	جمع
۱۰	۱۰	بسط خلاقه	۱۴	۱۴	حفظ اعلام
۵	۴	اشتباه مترجم			
۴۵	۶۰	حفظ ساختار خاص متن مبدأ			
۳	۳	تغییر در صناعات			
۵	۱	بیان نامناسب در متن مقصد			
۶	۱	پُرگویی در برابر ساده‌گویی			
۷۴ (٪۸۴)	۷۹ (٪۸۵)	جمع	۱۴ (٪۱۶)	۱۴ (٪۱۵)	جمع

طبق نتایج جدول ۲، در سطوح اول، سوم و چهارم، ترجمه شهیدی در مقایسه با ترجمه شهیدی، ویژگی‌های مثبت بیشتر و ویژگی‌های منفی کمتری داشته است و در سطح دوم، ویژگی‌های هر دو ترجمه یکسان است؛ لذا طبق الگوی گارسس، ترجمه شهیدی از کفایت و مقبولیت بیشتری برخوردار است. همچنین مؤلفه‌ای که بیش از همه بر کیفیت ترجمه می‌افزاید، در هر دو ترجمه، «تغییر نحو» و مؤلفه‌ای که بیش از همه، از کیفیت می‌کاهد، «حفظ ساختار خاص متن مبدأ» است که البته این مؤلفه در ترجمه دشتی فراوانی بیشتری دارد.

همچنین داده‌های جدول ۲ حاکی از آن است که هر دو مترجم به همه سطوح این الگو به‌طور یکسان اهتمام نداشته‌اند؛ به‌طوری که سطوح اول و سوم اوج توجه مترجمان به مؤلفه-

های مختلف را نشان می‌دهد؛ اما تفاوت درصد ویژگی‌های مثبت و منفی در سطح چهارم گویای آن است که ترجمه هر دو مترجم در این سطح نیازمند بازنگری است.

شکل ۱۰. ویژگی‌های مثبت و منفی ترجمه دشتی
شکل ۱۱. ویژگی‌های مثبت و منفی ترجمه شهیدی



در سطح اول، دشتی در «بسط نحوی» و شهیدی در «معادل فرهنگی» موفق‌تر عمل کرده؛ اما فراوانی زیاد مؤلفه منفی «قبض نحوی» در ترجمه دشتی سبب شده است که در مجموع ترجمه شهیدی در این سطح از مقبولیت بیشتری برخوردار شود. در سطح دوم، شهیدی در «تغییر نوع جمله» و دشتی در «تغییر دیدگاه» موفق‌تر بوده؛ اما در مجموع درصد ویژگی‌های مثبت و منفی آن‌ها یکسان است. در سطح سوم، شهیدی «تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی» را بهتر از دشتی رعایت کرده و مؤلفه‌های منفی کمتری نیز دارد؛ لذا در این سطح، مقبولیت بیشتری دارد. در سطح چهارم نیز، هر دو ترجمه مؤلفه مثبت یکسانی دارند؛ اما به دلیل اینکه ترجمه دشتی دارای مؤلفه‌های منفی بیشتر است، مانند «حفظ ساختار خاص متن مبدأ»، ترجمه

شهیدی از مقبولیت بیشتری برخوردار است. بنابراین در مجموع می‌توان گفت طبق الگوی گارسس، کفایت و مقبولیت ترجمه شهیدی بیش از ترجمه دشتی است. اما با نگاهی کلی به آمار و ارقام جدول‌های ۱ و ۲ و همچنین شکل‌های ۹ تا ۱۱ می‌توان گفت هر دو ترجمه، طبق معیارهای مورد نظر گارسس، قابل نقد بوده و نیازمند بازنگری (خصوصاً در سطح چهارم) است. پیشنهاد می‌شود مترجمان قبل از اقدام به ترجمه، معیارهای مورد نظر نقادان ترجمه را لحاظ کنند تا شاهد بهترین و باکیفیت‌ترین ترجمه‌ها باشیم.

۳. نتیجه

با ارزیابی کیفیت ترجمه شهیدی و دشتی از حکمت‌های نهج‌البلاغه براساس الگوی گارسس، به نتایج زیر دست یافتیم:

۱. فراوانی مؤلفه‌هایی که مرتبط با زبان مقصد هستند (از جمله توجه به اختلافات فرهنگی و یافتن معادل مناسب برای آنها)، در ترجمه شهیدی بیشتر از ترجمه دشتی است؛ لذا طبق الگوی گارسس، ترجمه شهیدی مقصدگراتر است.

۲. هر دو ترجمه شهیدی و دشتی در افزایش و مانس، تقریباً یکسان عمل کرده‌اند؛ ولی در زمینه کاهش، دشتی مطالب بیشتری را در مقایسه با شهیدی حذف کرده است.

۳. در سطح اول، دشتی در «بسط نحوی» و شهیدی در «معادل فرهنگی» موفق‌تر عمل کرده است.

۴. در سطح دوم، شهیدی در «تغییر نوع جمله» و دشتی در «تغییر دیدگاه» موفق‌تر بوده است.

۵. در سطح سوم، شهیدی «تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی» را بهتر از دشتی رعایت کرده و مؤلفه‌های منفی کمتری نیز دارد.
۶. در سطح چهارم، دشتی به «حفظ ساختار خاص متن مبدأ» بیشتر توجه کرده است.
۷. در میان هر چهار سطح الگوی گارسس، مؤلفه‌ای که بیش از همه بر کیفیت ترجمه می‌افزاید، در هر دو ترجمه، «تغییر نحو» و مؤلفه‌ای که بیش از همه، از کیفیت ترجمه می‌کاهد، «حفظ ساختار خاص متن مبدأ» است که البته در ترجمه دشتی، فراوانی بیشتری دارد.
۸. داده‌ها حاکی از آن است که هر دو مترجم به همه سطوح این الگو به‌طور یکسان اهتمام نورزیده‌اند؛ به‌طوری که سطوح اول و سوم اوج توجه مترجمان به مؤلفه‌های مختلف را نشان می‌دهد؛ اما تفاوت درصد ویژگی‌های مثبت و منفی در سطح چهارم نشان‌دهنده آن است که ترجمه هر دو مترجم در این سطح، تنها از مقبولیت و نه کفایت برخوردار بوده و لذا نیازمند بازنگری در این سطح است.
۹. در سطوح اول، سوم و چهارم، ویژگی‌های مثبت در ترجمه شهیدی بیشتر از ترجمه دشتی و ویژگی‌های منفی هم کمتر از این ترجمه بوده است و در سطح دوم، ویژگی‌های هر دو ترجمه یکسان است؛ لذا در مجموع ترجمه شهیدی از کفایت و مقبولیت بیشتری برخوردار است.
۱۰. طبق الگوی گارسس، ترجمه شهیدی شامل ۵۲ درصد ویژگی مثبت و ۴۸ درصد ویژگی منفی است؛ لذا دارای کفایت و مقبولیت است؛ اما ترجمه دشتی به دلیل تساوی ویژگی‌های مثبت و منفی (۵۰ درصد) از مقبولیت نسبی برخوردار است.

۱۱. آمار و ارقام موجود در جدول‌ها و نمودارها نشان می‌دهد هر دو ترجمه قابل نقد بوده و باید مترجمان به معیارهای الگوی گارسس اهتمام بیشتری ورزند تا شاهد ترجمه‌های باکیفیت‌تری باشیم.

۱۲. نتایج نشان می‌دهد برخی مؤلفه‌های الگوی گارسس هیچ کاربردی در ارزیابی ترجمه نهج‌البلاغه نداشته‌اند؛ از جمله حذف حواشی، تغییر لحن، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف منظور متن اصلی. به نظر می‌رسد چنین مؤلفه‌هایی در هیچ‌یک از متون مقدس قابلیت تطبیق نداشته باشند. همچنین در این الگو، برخی مؤلفه‌ها مانند بسط معنا و توضیح بیشتر ویژگی منفی به‌شمار می‌آیند؛ اما چه بسا در متنی همچون نهج‌البلاغه — که اثر استاد فصاحت و بلاغت است — جمله یا عبارتی وجود داشته باشد که اقتضا کند مترجم، جهت درک بهتر خواننده، توضیحاتی بر آن بیفزاید و این از محسنات ترجمه خوب به‌شمار می‌آید. لذا این الگو در موارد ذکرشده و همچنین موارد مشابه قابل نقد است. باوجود این، صدور حکم در مورد قابلیت تطبیق نظریه گارسس بر متون دینی را به انجام تحقیقات گسترده‌تر و نیز مطالعات بیش‌تر واگذار می‌نماییم.

پی‌نوشت‌ها

1. HOUSE
2. Peter Newmark
3. Nida
4. Garces
5. Ljudskanov Alexandre
6. Berman
7. Catford



8. Rice
9. Koller
10. Carmen Valero Garces
11. Semantic-lexical
- 12- Cultural or functional equivalent
13. Adaptation
14. Grammatical expansion
15. Grammatical reduction
16. Ambiguity
17. Morphological syntactical
18. Literal translation
19. Implication
20. Reduction
21. Omission
22. Discursive functional
23. Stylistic-pragmatic

منابع

- آذرشب، محمدعلی، معصومه ملکی و لیلا اسداله‌ئی (۱۳۹۸). «تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی قمشه‌ای براساس الگوی گارسس». *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*. د ۶. ش ۱۲. صص ۲۲۵-۲۶۰.
- افضل‌ی، علی و لیلا اسداله‌ئی (۲۰۱۹ م). «کاربست نظریه کارمن والرو گارسس در نقد ترجمه ادبی (مورد مطالعه: تعریف صالح الجعفری از رباعیات خیام)». *Journal of the College of Languages*. ش ۴۰. صص ۸۳-۱۰۵.
- اقبالی، مسعود و ابراهیم نامداری (۱۳۹۷). «نقد و بررسی ترجمه الهی قمشه‌ای و مکارم شیرازی از سوره مبارکه یوسف با تأکید بر نظریه سطح صرفی نحوی گارسس». *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*. س ۷. ش ۱. صص ۱۳۷-۱۵۴.

- امرائی، محمدحسن (۱۳۹۷). «نقد و ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی براساس نظریه گارسس (۱۹۹۴م) (مطالعه موردی: سوره بقره)». *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*. د ۵. ش ۱۰. صص ۱-۴۶.
- بابازاده اقدم، عسگر، حسین تک‌تبار فیروزجایی، ابراهیم نامداری و فاطمه مهدی‌پور (۱۳۹۹). «بررسی واژگانی ترجمه‌های حداد عادل، معزی و انصاریان در آیاتی از جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن کریم با تکیه بر نظریه سطح معنایی - لغوی گارسس». *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*. د ۷. ش ۱۳. صص ۱-۳۲.
- بابازاده اقدم، عسگر، بیژن کرمی میرعزیزی، ابراهیم نامداری و فاطمه مهدی‌پور (۱۳۹۸). «تغییر بیان در سطح دستوری و واژگانی براساس مدل کارمن گارسس (مطالعه موردی: ترجمه‌های حداد عادل، معزی و انصاریان از جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن)». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. س ۹. ش ۲۱. صص ۲۷۹-۳۰۵.
- بخشی، مریم (۱۳۹۹). «بررسی راهبرد کاهش در ترجمه فولادوند از صحیفه سجاده براساس نظریه گارسس». *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*. د ۷. ش ۱۴. صص ۳۵-۶۱.
- تجلی، غفار (۱۳۶۹ش). «ارزش کاربردی اصول و مبانی ترجمه». ترجمه و اقتباس از ویلن کومیساروف. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. ش ۲. صص ۱۰۱-۱۱۳.
- حاجی‌زاده، مهین، پروین فرهادی و رعنا فرهادی (۱۳۹۸). «نقد و ارزیابی ترجمه محمد دشتی از نهج البلاغه براساس مدل گارسس (۱۹۹۴) (مطالعه موردی: ترجمه خطبه اول و حکمت‌های ۱ تا ۲۰)». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. س ۹. ش ۲۱. صص ۹-۴۳.
- خان‌جان، علیرضا (۱۳۹۰). «پیشنهاد الگویی برای تحلیل انتقادی ترجمه». *مطالعات زبان و ترجمه*. ش ۲. صص ۹۳-۱۲۹.
- دشتی، محمد (۱۳۹۵). *فرهنگ موضوعات کلی نهج‌البلاغه*. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).

- رحیمی‌آذین، مرضیه، مرتضی قائمی و مهدی مسبوق (۱۳۹۹). «راهبردهای صفارزاده و مجتبی‌ی در ابهام‌زدایی واژگان قرآن کریم و میزان بسندگی و پذیرفتگی آن‌ها براساس الگوی گارسس». *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*. د ۷. ش ۱۳. صص ۱۲۸-۸۷.
- رحیمی‌خویگانی، محمد، عسگر علی‌کرمی و حمید باقری دهبازز (۱۳۹۷). «نقدی بر انتخاب‌های واژگانی محمد دشتی در ترجمه نهج‌البلاغه از منظر سطح معنایی - لغوی گارسس». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. س ۸. ش ۱۹. صص ۳۱-۹.
- _____ (۱۳۹۸). «بررسی ترجمه کهن خطبه ششقیه - تصحیح عزیزالله جوینی - از منظر الگوی نقد ترجمه نیومارک (۱۹۸۸)». *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*. د ۶. ش ۱۲. صص ۹۸-۶۱.
- رشیدی، ناصر و شهین فرزانه (۱۳۸۹). «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر مارک تواین براساس الگوی گارسس (۱۹۹۴)». *زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)*. س ۲. ش ۳. صص ۱۰۵-۵۷.
- رشیدی، ناصر و شهین فرزانه (۱۳۹۲). «ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان انگلیسی دن کیشوت اثر میگوئل دوسرواتس بر اساس الگوی گارسس (۱۹۹۴)». *زبان و ادب فارسی*. س ۵. ش ۱۵. صص ۵۶-۴۱.
- شریف رضی، محمدبن حسین (۱۳۷۸). *نهج‌البلاغه*. ترجمه سید جعفر شهیدی. ج ۱۵. تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۹۴). *نهج‌البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. تهران: پیام عدالت.
- صیادانی، علی، سیامک اصغرپور و لیلا خیراللهی (۱۳۹۶). «نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان 'قلب اللیل' با عنوان 'دل شب' براساس الگوی گارسس». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. س ۷. ش ۱۶. صص ۱۱۸-۸۷.

- فرحزاد، فرزانه (۱۳۹۰). «نقد ترجمه: ارائه مدلی سه‌وجهی». پژوهش‌نامه. ش ۸۸. صص ۳۰-۴۸.
- طهماسبی، عدنان و وحید صمدی (۱۳۹۵). شیوه ترجمه ادبی مبتنی بر ترجمه نمایشنامه صاحب‌حیة الجلاله. تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
- متقی‌زاده، عیسی و سید علاء نقی‌زاده (۱۳۹۶). «ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی براساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه)». پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی. س ۷. ش ۱۶. صص ۱۶۹-۱۹۳.
- مهدی‌پور، فاطمه (۱۳۸۹). «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن». کتاب ماه ادبیات. ش ۴۱. صص ۵۷-۶۳.
- نقی‌زاده، سید علاء (۱۳۹۵). طراحی الگویی برای آموزش مهارت ترجمه از عربی به فارسی و برعکس در مقطع کارشناسی دانشگاه‌های ایران (متون مطبوعاتی و رسانه‌ای). رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- نیومارک، پیتر (۲۰۰۶م). *الجامع فی الترجمة. ترجمة حسن غزالة. بیروت: دار و مكتبة الهلال.*
- Garces, C. V. (1994). "A methodological proposal for the assessment of translated literary works: A case study". *The Scarlet Letter by N.Hawthorne into Spanish Babel*. Vol. 40. No. 2. pp.77-102.
- Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*. New York: Prentice Hall.